

فال همایون موسیقی



همایون شجریان، بعدازظهر دوشنبه (روز گذشته) در یک نشست خبری اعلام کرد که آرزوی دیرینه‌اش در برگزاری کنسرت خیابانی به حقیقت پیوسته است. این اجرای رایگان، قرار است روز جمعه ۱۴ شهریور،

ساعت ۲۲ در میدان آزادی تهران برگزار شود.

سال ۹۲ همایون شجریان ماجرای کنسرت رایگان و خیابانی را بر سر زبان‌ها انداخت. او در آن سال اعلام کرد: «حاضرم سال آینده برای هرکس که دلش بخواهد، اجرای خیابانی داشته باشم...» اتفاقی که بعد از ۱۲ سال بالاخره محقق می‌شود.

در روزگاری که مردم زیر بار فشارهای اقتصادی کمتر مجال شادی جمعی دارند خبر برگزاری کنسرت خیابانی همایون شجریان مثل روزنه‌ای از نور بر دل‌هاست. این کنسرت خرید بلیت ندارد و همه می‌توانند بیایند، بایستند و بخوانند.

برگزاری کنسرت خیابانی با این مدل در کشورمان کاری جدید است و در شرایطی که سرگرمی‌های عمومی محدود است و هنر در مقام کنسرت، بیشتر به سالن‌های خاص و بلیت‌های گران‌قیمت خلاصه می‌شود، دیدن این‌که موسیقی بتواند دوباره در دل شهر و در میان مردم جاری شود، تجربه‌ای کم‌نظیر خواهد بود. این اجرا فرصتی است برای شنیدن صداهایی که یادآور همبستگی و امیدند.

اگر مجبور نبودیم، صحنه را هم نمی‌ساختیم

همایون شجریان در نشست خبری اعلام کنسرتش گفت: «چندی پیش به ما اعلام کردند که این اجرا می‌تواند عملی شود، احتمال دارد این اجراها توسط هنرمندان دیگر ادامه داشته باشد. این اجرا کاملاً رایگان است، قرار است کنسرت بدون منع و چهارچوب اجرا شود، اگر مجبور نبودیم صحنه را بسازیم تا مخاطب‌ها بتوانند ما را ببینند، صحنه را نمی‌ساختیم.» این خواننده با اشاره به اینکه نمی‌توان تعداد جمعیتی را که در این کنسرت حضور خواهند داشت پیش‌بینی کرد، گفت: «تصوری از جمعیت نداریم و امیدواریم تمهیدات کافی باشد و خاطره‌خوبی را رقم بزنیم. اجرا ایستاده خواهد بود و هیچ صندلی برای مخاطبان موجود نیست. با توجه به بررسی‌هایی که انجام شده بود به توافق رسیدیم که میدان آزادی و روز جمعه ۱۴ شهریور کنسرت برگزار شود. قرار شد اجرا در ساعت ۱۰ شب باشد تا به تردد شهری آسیب کمتری برساند. امیدوارم این شکل از اجرای توسط من و دیگر همکارانم ادامه داشته باشد.»

چه آهنگ‌هایی خوانده می‌شود؟

شجریان گفت: «کنسرت با قطعه از دیار عاشقی‌هایم شروع و با مرغ سحر به پایان می‌رسد، به دلیل اینکه زمان محدودی برای آماده شدن داشتیم، همه قطعات از کنسرت اخیر خواهد بود، انتخاب من این است که قطعاتی باشد که مردم آن‌ها را دوست دارند و با آن خاطره دارند. تمام انتخاب‌ها به تعداد تقاضایی که برای حضور وجود دارد بازمی‌گردد، دلیل اینکه ما نتوانستیم در یک سال گذشته در تهران کنسرت برگزار کنیم، این بود که دنبال سالی بودیم که بتواند پاسخگوی نیاز مخاطبان

روایت حماسهٔ قاسم در سامرا

دفاع از خانهٔ پدری



خرداد ماه ۱۳۹۳ داعشی‌ها حمله می‌کنند به نینوا. مسیر حرکتشان بعد از نینوا به استان صلاح‌الدین می‌رسید و جبهه سامرا را باز می‌کرد. بعد از سامرا می‌رفتند به بغداد و پایتخت را می‌گرفتند و سر آخر هم می‌رفتند کربلا، نجف و کردستان. این مسیر حرکت را حاج قاسم در نشستی با نوری مالکی، نخست‌وزیر سابق عراق شرح می‌دهد. مرتضی سرهنگی در کتابش -قاسم- این بخش را این‌طور از زبان شهید سلیمانی روایت می‌کند: «هر لحظه خبر می‌رسید داعش پیشروی می‌کند. می‌گفتند از پل اول، پل دوم و پل سوم موصل رد شد. عراق فلج شده بود. نقشه‌ای را روی زمین پهن کردم و مسیر حرکت داعش در جبهه سامرا، بغداد، «شرف‌الصخر» و کربلا را بررسی کردم. برایشان گفتم داعش کجاست و کدام قاط را گرفته است. گفتم خواستان باشد تا نزدیکی سامرا و تکریت رسیدند. اگر سامرا بخواهد سقوط کند، وارد عمل می‌شویم. طرح دفاعی‌ام را برایشان توضیح دادم و گفتم: «سامرا نباید تحت هیچ شرایطی سقوط کند!» صبح فردا مالکی در حکمی فرمان تشکیل حشدالشعبی یا بسیج مردمی عراق را صادر کرد.»

ایرانی تکرار کن: سامرا نباید سقوط کند!

ساعت ۷ صبح سوم اسفند ۱۳۸۴ همان زمانی که آمریکایی‌ها در خیابان‌های سامرا رژه می‌رفتند، یک گروه از مسلحین القاعده به همراه ۲۰۰ کیلویی آن‌تی‌وی وارد حرم عسکرین شدند و چند دقیقه بعد زمین زیر پای مردم سامرا لرزید. بوش گفت عراقی‌ها نگران نباشند، ما سامرا را دوباره می‌سازیم و اجازه نمی‌دهیم این اتفاقات دوباره تکرار شود. از ایران هم جواب آمد، کار کار خودشان است. شانزده ماه بعد انفجار دوم اتفاق افتاد.

۲۳ خرداد ۱۳۸۶ دومین صدای انفجار هم از حرم عسکرین شنیده شد. همان زمان رسانه‌های عبری‌زبان نوشتند، طرح اوود یینون دارد اجرا می‌شود. همان طرحی که مشاور آرئیل شارون، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی نوشت و گفت: «برای کنترل منطقه چاره‌ای جز تجزیه عراق نداریم.» مسئله فقط تجزیه این کشور ۴۳۸ هزار کیلومتری نبود. داستان درباره چند پاره شدن کشورها و فرهنگ‌هایی بود که صهیونیست‌ها بنابر ترس‌های کتاب مقدسشان می‌خواستند در دجله و فرات غرقشان کنند. با این حال ماجرای ۸۴ و ۸۶ به اندازه ۹۳ جدی نبود. سال ۹۳ همه فهمیده بودند آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها نشسته‌اند تا عراق تجزیه‌شود. حتی کرده‌های عراق هم که دل خوشی از تصمیمات بغداد نداشتند، بعد از گذشت چند هفته فهمیدند داستان جدی‌تر از

باشد. همچنین می‌خواستیم کاری کنیم تا مانع هرگونه دلالی در فروش بلیت شویم. این اجرا به دلیل فرصت کمی که داشتیم، خواننده‌ای جز من در کنسرت حضور نخواهد داشت، فرصت اینکه بخواهم قطعه‌ای را با کسی هماهنگ کنم نداشتم. اما کاش می‌شد کنسرتی آماده کنیم که سایر وجوه فرهنگی را هم در بر می‌گرفت.»

کنسرت پخش آنلاین هم دارد؛ برای مجوز قطعات مشکلی نداشتم

شجریان با اعلام اینکه در صورت فراهم شدن امکانات از اجرای خیابانی استقبال می‌کند، گفت: «برای برگزاری اجرای مردمی، خیابانی و رایگان باید مکان مناسبی انتخاب شود. در این کنسرت با بهترین صدابرداران همکاری می‌کنیم؛ اما هنوز نمی‌دانیم جمعیت تا چه اندازه خواهد بود و در کدام خیابان‌ها چه تعداد از مردم خواهند ایستاد. همچنین برای پخش آنلاین اقداماتی انجام می‌دهیم تا بتوانیم برای افرادی که امکان حضور ندارند، پخش آنلاین داشته باشیم، پشتیبانی بانک حامی این کنسرت برای تهیه سازوکار اجرای آن است، اجرا، ساخت و اجاره دستگاه برای مردمی که با فاصله زیاد از صحنه خواهند بود، هزینه زیادی در بر دارد. همچنین دستمزدی برای ارکستری که همراه من خواهد بود، در نظر گرفته شده است. فکر می‌کنم برگزاری این کنسرت که ظاهر ساده‌ای دارد، سخت‌تر از برگزاری ۱۰ کنسرت است و امیدوارم ۸۰ تا ۹۰ درصد آنچه در نظر داریم، اجرایی شود. قطعاتی در دستگاه شور و ماهور در این کنسرت خیابانی اجرا می‌شوند که همه مجوز دریافت کردند و پیش از این منتشر شدند، به همین دلیل و در زمینه دریافت مجوز برای قطعات کنسرت مشکلی نداشتیم.»

هنرمند عضوی از جامعه

ویک نفر از مردم است

شجریان با تأکید بر اینکه باید راهی باز شود تا تهران صدای موسیقی را بشنود، ادامه داد: «باید صدای موسیقی جایگزین صدای بوق و ماشین شده و در شهر فضای فرهنگی و شاداب ایجاد شود. دنبال این نیستم که برگزاری این کنسرت، به چه کسی به چه شکلی می‌خواهد کمک کند. این کنسرت کاملاً مستقل و در خدمت مردم است. همیشه گفتیم و نشان دادیم که هنرمند انرژی را از زندگی شخصی کنار مردم می‌گیرد و عضوی از جامعه و یک نفر از مردم است.»

او درباره اجرای زنان خواننده گفت: «ما سال‌هاست که نیاز را احساس می‌کنیم و می‌دانم که یکی از دغدغه‌های جدی خواننده‌های خانم و همچنین دغدغه موسیقی است.»

اگر جنگ شود

حتماً کنار مردم در ایران می‌مانم

شجریان در ادامه این نشست در پاسخ به سؤالی با بیان اینکه اگر دوباره جنگ شود حتماً در ایران می‌ماند، گفت: «دوست دارم در تهران بمانم، اگر شرایط خیلی سخت بود حداکثر به شمال کشور

سفر خواهم کرد. وارد دهه ششم زندگی شدم و تجربه جنگ ایران و عراق را دارم، در زمانی که بحران تا این اندازه شدید است، بهترین کار برای حفظ سلامت روان شخص این است که انجام کارهای روزمره را قطع نکند. در زمان جنگ، تمرین و ورزش می‌کردم، همچنین روی قطعات کار می‌کردم. این روش برای آرام نگه داشتن ذهنم مفید است، زیرا در خانه پدافند و قدرت ماورایی ندارم و اگر این وحشت دوباره ایجاد شود حتماً کنار مردم در ایران خواهم بود.» این خواننده با اعلام اینکه در دوره قبلی جنگ در میان برنامه‌های کنسرت بود، ادامه داد: «به دلیل محدودیت‌هایی که برای سفرها ایجاد شده بود با فاصله دو تا سه روزه خود را به ایران رساندم، قرار نیست فرار کنیم و هستیم.»

جزئیات جلسه

بادبیرشورای عالی انقلاب فرهنگی

شجریان با تأکید بر اینکه موسیقی هنر متعالی است، گفت: «لازم است که سوءتفاهم‌ها در حوزه موسیقی برداشته و به جنبه‌های مختلف موسیقی به‌خوبی توجه و درباره آن صحبت شود، برای مثال باید حنجره‌های مرد وزن شناخته شود و موسیقی لحن درست خود را پیدا کند.»

این خواننده درباره جلسه‌ای که با عبدالحسین خسرو پناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی داشت، توضیح داد: «دراین نشست درباره موسیقی در غرب و روند تکمیل آن صحبت شد، باید درباره موسیقی و خوانندگان زن به بررسی و گفت‌وگو بپردازیم. همچنین باید توجه داشت که اجرای زنان فقط خواسته خوانندگان زن نیست، بلکه دغدغه مردمی است که مخاطب موسیقی هستند.»

پدرم اگر زنده بود

به مردم کشورش افتخار می‌کرد

شجریان با بیان اینکه ساختمان اول و اصلی شرکت دل‌آواز در هفت تیر بود، ادامه داد: «این ساختمان کوچک برای ما نوستالژیک بود. بعد از آن پندر (محمدرضا شجریان) ساختمانی برای خواهرها و برادرم تهیه کرد تا در آن به فعالیت هنری بپردازند. آن ساختمان هم فروخته شد و بعد از آن هم چند ساختمان دیگر تغییر کرد و این روزها در ساختمای بالای میدان هفت تیر فعال است. رادمان توکلی انتشار باکیفیت آثار پندر را که پیش از این منتشر نشده است، پیگیری می‌کند. مجموعه‌ها را به استودیو می‌برد و بعد از تنظیم، آن‌ها را منتشر می‌کند. گاهی نمی‌توانم به عکس و موسیقی اورجوع کنم، گاهی باید حقیقت را پذیرفت، هر قدمی که در کارم بر می‌دارم به‌او فکر می‌کنم و خیلی خوشحالم که مردم این قدر قدرشناس او هستند و اگر زنده بود بیش از هر زمانی به مردم کشورش افتخار می‌کرد.»

او درباره بازگشت انوشیروان روحانی به ایران، گفت: «او هنوز در درباره این موضوع با من حرفی نزده و سکوت کرده است، تا بتوانم برای بعد از آن برنامه‌ریزی کنم.»

کنسرت‌های خیابانی ادامه دارند

پس از اجرای همایون شجریان، موج کنسرت‌های خیابانی در شهر ادامه

خواهد داشت. برنامه‌ها به این ترتیب اعلام شده است:

رضا یزدانی: ۱۸ شهریور

رضا صادقی: ۱۹ شهریور

گروه لیان: ۲۰ شهریور

آرمان گرشاسبی: ۲۱ شهریور

ارکستر ملی موسیقی ایران: ۳۱ شهریور

حامد صیغیری: اول مهر

رضا بهرام: ۲ مهر

عرفان طهماسبی: ۳ مهر

و سرانجام، علیرضا قربانی در تاریخ ۱۱ مهر، پایان‌بخش این سلسله کنسرت‌ها خواهد بود.



سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۴



شماره ۴۴۹۶



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

چند ساعت نبرد سخت با فرماندهی بچه‌های حزب‌الله و ابومهدی المهندس، صحنه جنگ عوض شد. نیروها زود خطوط تکفیری‌ها را شکستند و آن‌ها را وادار به فرار کردند. خطر سقوط از سامرا دور شد.

حرم و زائرانش هم آرام گرفتند.»

درست بعد از این گیرودار، ابو بکر البغدادی خلافتش را اعلام می‌کند و رسانه‌های آمریکایی هم چهره سلیمانی را به عنوان مرد اول مبارزه با داعش پخش می‌کنند. ماجرای داعش تا چندین سال در عراق ادامه پیدا می‌کند اما خواب و خیالات اوود یینون و تجزیه عراق سرانجامی ندارد. خیالاتی که همچنان هم پا بر جاست. چند هفته بعد ماجرای سامرا برای اربیل هم تکرار می‌شود. داعشی‌ها که از گرفتن قلب عراق ناکام می‌مانند، مسیر حرکتشان را می‌برند سمت کردستان. همان جایی که در مقاله یینون برای راه انداختن تمدن بزرگ پهلوی روی اشغالش حساب شده بود. کردها هم مثل امام جمعه سامرا، اول می‌روند سرانغ آمریکایی‌ها و یانکی‌ها دست رد به سینه‌شان می‌زنند. حالا بارزانی مانده و منطقه‌ای که ممکن است بالای کردهای سوریه به سرش بیاید. داعش که به حومه اربیل می‌رسد، بارزانی تماس می‌گیرد با طرف ایرانی «با چند نفر از همکارانم رفتم اربیل، ابومهدی المهندس هم بود. دیدم مسعود بارزانی از حمله داعش نگران است و شرایطش بحرانی است. گفتم یکی را به من معرفی کنید، با او کار را جلو ببرم. زیاد مزاحم شما نمی‌شویم. او هم دکتر رزگر، یکی از مسئولان حزب دموکرات کردستان را معرفی کرد. آن شب شام را مهمان بارزانی بودیم. در فاصله شام تا نماز صبح هم هماهنگ کردم نیرو و امکانات با چند پرواز از ایران در فروگاه اربیل نشست. با کمک‌های ما، داعش از حومه اربیل عقب‌نشینی کرد. مسعود بارزانی گفت واقعا نمی‌دانم با چه زبانی از شما قدردانی کنم. به رئیس‌جمهور ایران، دکتر روحانی، نامه نوشت و رسماً از حضور نیروهای مادر اربیل تشکر کرد. بعد از آن، مسعود بارزانی رابطه‌اش با من بهتر شد. می‌گفت خوشم می‌آید؛ قولی که می‌دهی، به آن عمل می‌کنی.»

مرزهای ایران از سامرا شروع می‌شود

آن زمانی که عده‌ای در داخل دودل بودند که ایران باید به عراق و سوریه برود یا نه، سلیمانی عمق راهبردی ایران را تا بیخ گوش صهیونیست‌ها گسترش داد و هنوز هم کمر بند دفاعی ایران سفت‌تر از آن است که کشوری بخواهد خواب نفوذ زمینی به ایران را در ذهن بیاورد. کمربندی که حالا شاگردان سلیمانی حافظش هستند و نمی‌گذارند کسی از حریم خانه پدری بقیه‌الله‌اعظم عبور کند. خانه‌ای که شریان‌هایش از ایران می‌گذرد و نبض پرچمش با سه رنگ و الله‌اکبر ایرانی می‌تپد.

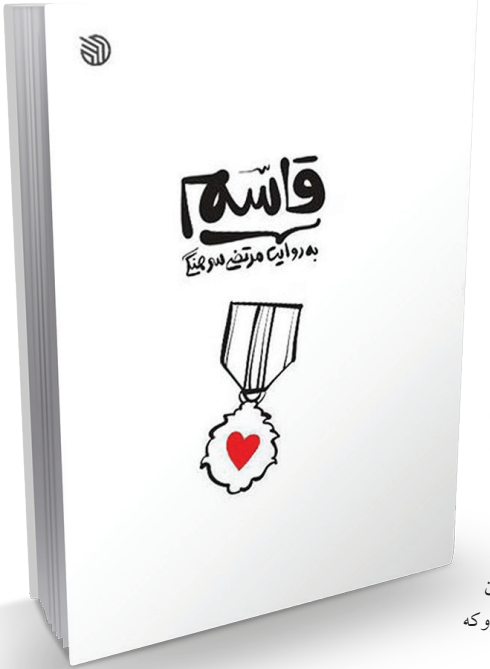
بیشترشان مسئولان نظامی بودند، راه انداختم و مستقیم رفتم به منطقه بلد و الناجیه در شمال بغداد. درست توی مسیر پیشروی داعش جلو می‌رفتم. یک دفعه افتادیم توی کمینشان. ماشین‌هایمان را بستند به رگبار کلاشیکف.»

دوازده گلوله به ماشین سلیمانی می‌خورد اما جان سالم به در می‌برد. خبر می‌رسد سلیمانی راهی سامرا شده، مردم هم می‌ریزند تیر و پیرون و محاصره داعشی‌ها متمرزلز می‌شود. ایران به طور کامل دیگر جنگ شده است.

حسن دانایی‌فر با وجود آن که سفیر است، لباس رزم می‌پوشد و یکی از محورهای عملیاتی را در دست می‌گیرد. خبر از نجف می‌رسد که آیت‌الله سیستانی هم حکم جهاد داده تا پای داعشی‌ها با حرم عسکرین نرسد. با تمام این شرایط سلیمانی می‌رسد به سامرا و حوالی ۳ عصر به حرم. داعشی‌ها به فرماندهان عراقی پیامک می‌دهند که با سلیمانی باید از سامرا بروید بیرون یا حرم بمباران می‌شود. اوضاع کاملاً آشفست شده. حالا سلیمانی باید برای همه توضیح بدهد که مسئله فقط یک قطعه از خاک عراق نیست. تیغ داعشی به ایران نزدیک شده است.

ای دلیران وطن، با «زنده باد ایران» به پیش!

سلیمانی زنگ می‌زند به عطا،الله صالحی، فرمانده کل ارتش و درخواست بمباران مواضع داعشی‌ها را می‌دهد. «اول تلفن کردم به ارتش و با فرمانده کل ارتش حرف زدم. گفتم به جنگنده‌های نیروی هوایی نیاز داریم تا مواضع داعشی‌ها را بمباران کنند. گفت اگر کسی غیر از تو این درخواست را می‌کرد، قبول نمی‌کردم. می‌دانی خیلی‌ها به صلاح نمی‌دانند علنی نیرو بفرستیم عراق. گفتم اگر واجب نبود، درخواست نمی‌کردم. امنیت منطقه و ایران به مهار داعش بستگی دارد. باید جنگنده‌های ارتش کار داعشی‌ها را فاصله بدهند. بهترین کاری که می‌توانستیم بکنیم، همین بمباران هوایی بود. وقتی جنگنده‌های نیروی هوایی ایران به مواضع داعش حمله کردند، شادی را توی چشم اهالی و مدافعان دیدم. با این بمباران، فشار روی ما کم شد. بعد از آن توانستیم جلوی آن‌ها دوام بیاوریم. آخرسر بعد از



قبل بود که تکفیری‌ها افتادند به جان قهر حجر بن عدلی و تصاویر نبش قبر تا ایران هم رسید. همه منتظر بودند ستون ایرانی‌ها به سامرا می‌رسد یا نه. «خبر رسید داعشی‌ها تا اطراف حرم آمده‌اند و حسابی درگیرند. می‌گفتند تا شعاع ۲۰۰ متری حرم در دست نیروهای داعش است. آن‌ها با استفاده از نیروهای انتحاری که یونفرم نظامی پوشیده بودند، می‌آمدند خودشان را بکوبند به حرم. اسماعیلی (مسئول بازسازی عتبات عالیات) با مسئولان حرم، زائران و شیعیانی که آمده بودند برای کمک، درهای صحن را به روی خودشان بسته بودند. وضعیت سخت و دشواری داشتند. باید زود به کمکشان می‌رفتیم؛ اما جاده‌های منتهی به سامرا همه بسته بود. یک ستون باده، پانزده ماشین و بیست، سی نیرو که